

الهام جعفری

گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

elham.jafarie@gmail.com

لیدا بلیلان اصل

استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

lidabalilan@hotmail.com | lida-balilan@iaut.ac.ir

## بازخوانی تاریخی شهر خوی در دوره‌ی صفوی با استناد بر مینیاتور مطراقچی از دیدگاه سیاحان

### چکیده

شهر خوی با استعدادهای طبیعی، موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای نظامی، یکی از سکونتگاههای ایرانیان باستان بوده است. دوره صفوی یکی از دوره‌های تاریخی مهم برای شهر خوی می‌باشد. لیکن به دلیل ضعف منابع تاریخی ابهامات و تناقضات زیادی در رابطه با ساختار و محل شهر در این دوره وجود دارد. قدیمی‌ترین سند تصویری بجا مانده از شهر خوی، مینیاتوری است که توسط نصح، نقاش شناخته شده سلطنت سلیمان قانونی معروف به مطراقچی در طی لشکرکشیهای دولت عثمانی به ایران در حد فاصل سالهای 42-940 ه.ق / 36-1533 ماز شهر خوی ترسیم شده است. بازخوانی مینیاتور مذکور نیازمند مطابقت منابع تاریخی از جمله سفرنامه‌ها با عناصر ترسیمی می‌باشد. از اینرو هدف مقاله‌ی حاضر بازخوانی شهر خوی در دوره‌ی صفوی با استناد بر مینیاتور مطراقچی از دیدگاه سیاحان است. جهت نیل به هدف، جمع‌آوری اطلاعات اولیه به روش تاریخی- اسنادی و تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تحلیلی- تطبیقی انجام پذیرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شهر خوی در دوره‌ی صفوی دارای عناصر شاخص مهمی چون: مسجد جامع، کاخ شاهی، منار کله شاخ و بازار بوده است. همچنین کشیدگی شهر شرقی- غربی و از مسجد جامع شروع شده و تا قبل از منار شاخی تمام شده است که بازار و کاخ شاهی در محلی بین این دو عنصر قرار داشته است.

**کلید واژه‌ها:** مینیاتور مطراقچی، خوی، دوره صفوی، بازخوانی

## مقدمه

شهر خوی از دیر باز نقش مهمی در منطقه ایفا می‌کرده است و در مسیر رفت آمد کاروان‌ها قرار داشته است. تا دوران پیش از صفویه، دو راه تجارته اصلی از ایران به سوی اروپا می‌رفت: یکی از بغداد و حلب و مدیترانه، و دیگری از ری، تبریز، خوی، ارجیش و ارزروم. کاروان‌های ایران از راه تبریز، شبستر، طسوج و دیزج دیز به خوی می‌رسیدند، و از دروازه‌ی سلماس<sup>۱</sup>\* خوی وارد شهر می‌شدند، و بعد از گذشتن از بازار، از دروازه‌ی محله از شهر خارج می‌شدند، و از راه سکمن آباد و اواجق، راه خود را به سوی ارزروم و طرابوزان ادامه می‌دادند.<sup>۱</sup> لذا نام شهر خوی در سیاحتنامه‌ها و سفرنامه‌های تعداد زیادی از سیاحان آورده شده است. که با بررسی هر یک می‌توان به اطلاعات ارزشمندی دست یافت. یکی از موارد مطرح شده، زلزله‌های مختلفی است که ساختار شهر رامورد تاثیر قرار داده است. که در جدول زیر به تفکیک سال آورده شده است.<sup>۲</sup>

جدول 1) زلزله‌های تاثیرگذار شهر خوی<sup>۲</sup> (تدوین از نگارنده)

ردیف	تاریخ (ق)	تاریخ (م)	محل	تاثیر
1	677	1279	خوی	آسیب دید و چندین روستا ویران شد.
2	1245	1830	خوی	آسیب دید و چندین روستا ویران شد.
3	1253	1837	سلماس و خوی	آسیب دید و چندین روستا ویران شد.
4	1259	1843	خوی	خوی بکلی ویران شد.
5	1270	1854	خوی	خوی ویران شد.
6	1298	1881	خوی	آسیب دید
7	1300	1883	خوی	آسیب دید
8	1309	1892	خوی	آسیب دید
9	1314	1897	خوی	آسیب دید
10	1317	1900	خوی	آسیب دید

قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود از ساختار شهر خوی مینیاتور است که از نصوص مطراچی عثمانی در کتاب بیان منازل سفر عراقین باقی مانده است. این مینیاتور از ساختار شهر در سال 942 ه ق ترسیم شده است که بازخوانی آن، عناصر شاخص شهر و موقعیت و وضعیت آن را مشخص می‌نماید. چرا که «شناخت هر پدیده و درک فرآیند تاریخی و تحول آن به این دلیل اهمیت دارد که به مدد آن می‌توان به مسائل، تنگناها و سئوالات مطروحه در وضع موجود پدیده پاسخ گفت و یا به سخنی بهتر، عوامل چرایی وضع موجود را باز شناخت.»<sup>۳</sup>

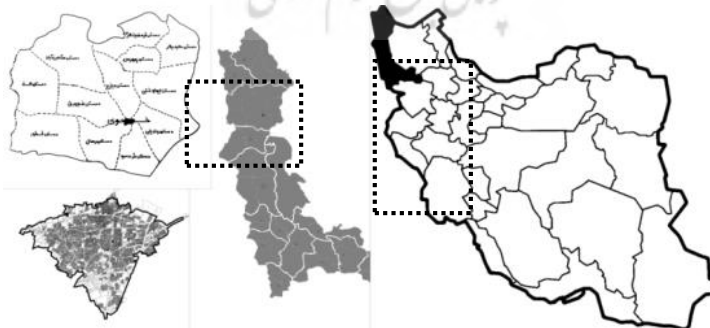
این مقاله در راستای پاسخ به این سوال شکل گرفته است که، مطراچی در مینیاتور ترسیمی خود که مصادف با دوره صفویه در ایران است، شهر خوی را به چه صورتی دیده و ترسیم کرده

است؟ از نمونه تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان به مقاله آقایان دکتر حناچی و احد نژاد (1385) با عنوان «بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویر شاردن و مطراقچی بر اساس متون تاریخی (از شکل گیری تا دوره صفویه)» اشاره کرد که این میدان در شهر تبریز قرار گرفته است. محققان با جمع آوری نوشته‌های سیاحان و اطلاعات تاریخی و تطبیق آنها با تصاویر مینیاتور و شاردن، این میدان را بازخوانی کرده‌اند. همچنین نمونه‌ی دیگری که توسط آقای بانی مسعود (1386) در مقاله «بازسازی نقشه باغ شمال تبریز بر اساس اسناد و مدارک تاریخی دوره قاجار» انجام شده، از دیگر منابع با ارزش جهت انجام این تحقیق می‌باشد. در این تحقیق نیز نویسنده برای بازسازی از مینیاتور مطراقچی تبریز به عنوان یکی از ابزار تصویری استفاده کرده است. قابل ذکر است که تحقیقات مشابهی بجز کتب تاریخی خوی، در مورد شهر انجام نشده است. بصورت کلی تحقیق انجام شده، در مرحله جمع آوری اطلاعات، تحقیقی تاریخی- اسنادی است که تحلیل آنها بصورت تحلیلی- تطبیقی انجام خواهد شد. در ابتدا مطالعات اولیه‌ی کتابخانه‌ای در زمینه‌ی شهرسازی شهر در دوره‌ی همزمان با مینیاتور انجام شده است. همچنین با بررسی گفته‌های سیاحان در این دوره، عناصر شهری و معماری اشاره شده بررسی شده و در نهایت با تطبیق داده‌های جمع آوری شده، و جانمایی در نقشه‌ی امروزی شهر خوی، بازخوانی مینیاتور انجام شده است.

### متن اصلی مقاله

### معرفی شهر خوی

شهر خوی با وسعتی بالغ بر 5548 کیلومتر مربع در شمال غربی‌ترین نقطه‌ی ایران در موقعیت جغرافیایی 44 درجه و 28 دقیقه طول و 38 درجه و 56 دقیقه عرض جغرافیایی و در 141 کیلومتری شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی واقع شده است و تا مرز ترکیه به خط مستقیم حدود 32 کیلومتر فاصله دارد. حداکثر ارتفاع شهر در غرب به 1150 متر و حداقل آن در شرق به 1080 متر می‌رسد.<sup>۴</sup>



تصویر 1) راست به چپ، موقعیت استان آغ در ایران، شهر خوی در استان، دهستان‌های اطراف خوی و وضعیت موجود شهر<sup>۵</sup>

## معرفی مینیاتور مطراچی<sup>۶</sup>

«نصوح مطراچی» از نزدیکان سلیمان قانونی، سلطان عثمانی بود که در لشکر کشی مابین سال‌های 940 تا 942 هجری قمری (1534/1535 م) به ایران همراه وی بوده است و ضمن تهیه گزارشی، از این لشکرکشی ترسیم کرده است. این لشکرکشی از مسیر شهرهای خوی- تبریز- زنجان، سلطانیه، همدان، قصرشیرین، بغداد شروع و سرانجام از طریق تبریز خاک ایران را به قصد امپراطوری عثمانی ترک کرده اند.<sup>۷</sup>

مرحوم دهخدا در لغتنامه خود درباره‌ی این نویسنده آورده است: «نصوح بن قره گوز بن عبدالله، اوراست: جمال الکتاب و کمال الحساب در علم حساب که به زبان ترکی به سال 933 ه.ق/1526 م برای سلطان سلیم بن بایزید تصنیف کرده است».<sup>۸</sup>

قدیمی‌ترین سند تصویری موجود خوی مینیاتوری است که از نصوح مطراچی عثمانی باقی مانده است. دادن پاسخ قطعی درباره‌ی این که تصاویر رسم شده به چه میزان بازتاب واقعیت هستند، آسان نیست. به نظر پژوهندگانی که درباره‌ی نقش‌های این اثر تحقیق کرده اند، این نقش‌ها متکی به مشاهده بوده، عوارض طبیعی و ابنیه بر اساس قرارگیریشان در میدان دید نسبت به هم تصویر گردیده‌اند. یعنی این که نقاش کوشیده است تا دیده‌هایش را حتی الامکان متناسب با اصل ترسیم کند. از همین روی است که پرهیز از مبالغه را از ویژگی‌ها این تصاویر دانسته‌اند و گرایش به واقع نگاری را از وجوه آنها به شمار آورده‌اند. تاشنر با توجه به همین ویژگی‌ها این تصاویر را دارای ارزش سندیت دانسته و در عین حال تذکر داده است که با این همه نباید در این مورد بی احتیاطی به خرج داد، زیرا، اگرچه طرح‌ها حاصل مشاهده‌ی مستقیم هستند، اما از آنجاییکه رنگ آمیزی و تکمیل تصاویرها بعدها و دور از محل منازل صورت گرفته، احتمال اعمال دخل و تصرف در آنها زیاد است. وانگهی تصاویر بناهای موجود در مینیاتور گونه‌ی یک شهر، بیشتر نمادی هستند تا تصویر دقیق همان بنا. چنانکه همه‌ی پل‌های تصاویر موجود شبیه هم ترسیم گردیده‌اند.<sup>۹</sup> در مورد ارزش بررسی مینیاتور محققان دیگری نیز مطالبی ذکر کرده‌اند که در زیر گردآوری شده است.

جدول 2) ویژگی‌های مینیاتورهای ترسیم شده توسط نصح از دیدگاه صاحب‌نظران<sup>۱۰</sup>

پروفسور یورداین <sup>۱۱</sup>	آلبرت گابریل <sup>۱۲</sup>	والتر دنی <sup>۱۳</sup>	فرانز تاشنر <sup>۱۴</sup>	نورمان جی جانسون <sup>۱۵</sup>
از نظر ایشان مینیاتورها که با پرسپکتیو دید پرنده ولی در عین حال با دید از روبرو و بدون هیچ مبالغه‌ای بر اساس عینیات ترسیم شده‌اند می‌توانند بعنوان عامل توپوگرافیکی و یک سند ارزشمند محسوب شوند چرا که توجه خاصی به بناهای شاخصی چون مسجد جامع، سراها و... در این مینیاتورها مشاهده می‌شود. <sup>۱۶</sup>	از نظر ایشان این تصاویر می‌توانند بعنوان نقشه‌های شهری، که علاوه بر اطلاعات مربوط به توپوگرافی، نشانگر نوع معماری از دیدگاه عثمانی نیز می‌باشند، قابل استناد باشند. همچنین تجزیه و تحلیل تصاویر، درمشنخص نمودن ساختار داخلی شهرها بروش‌های معاصر نیز کمک می‌نماید. <sup>۱۷</sup>	وی تلاش کرده بناهای به تصویر درآمده را با واقعیت موجود مقایسه کند. به نظروی، برخی آرامگاهها، بخصوص آنها که در شهرهای بزرگ قرار دارند، از نظر معماری و توپوگرافی با واقعیت مطابقت دارند. از نظر وی تصاویر شهر استامبول، دیاربکر، تبریز، سلطانیه و بغداد برای پژوهشگران تاریخ معماری حاوی نکات ارزنده ای است. <sup>۱۸</sup>	وی مینیاتور ترسیمی نصح را تنها سند مهم برای شهرسازی قرن 16 میلادی در خاور نزدیک از دیدگاه معماری و توپوگرافی می‌داند. او همچنین نصح را بعنوان یک تحلیلگر شهری معرفی کرده است. <sup>۱۹</sup>	در کتاب خود با عنوان "دنیای شهرسازی نسخه‌های خطی نصح" که در سال 1971 منتشر شده اهمیت کتاب بیان منازل را در شهرسازی و همچنین انواع رنگها از قبیل رنگ‌های زرق و برق دار با سایه‌های مختلفی از قرمزطالایی، سبز، زرد، آبی در این مینیاتورها بیان کرده و توجه به زیبایی جزئیات انسان ساخت و نبودن هیچ گونه فیگور انسانی در مینیاتورها از جمله ویژگیهای مهم این مینیاتورها می‌داند. <sup>۲۰</sup>

با بررسی‌ای که در مورد مینیاتور انجام شد، و با توجه به نظریات جمع آوری شده در جدول، نوع و محل عناصر و توپوگرافی شهر و سایر ویژگی‌های ساختاری شهر را می‌توان از آن استخراج کرد.



تصویر 2) مینیاتور خوی در 942 هجری قمری<sup>۲۱</sup>

### شناسایی سیاحان و نویسندگان خوی و بررسی دیدگاه آنان در مورد شهر

در طول دوره‌های مختلف، سیاحان ایرانی و خارجی زیادی از شهر خوی گذشتند و هر یک شهر را از دیدگاه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بافت شهری و ... توصیف نمودند. در این بخش به بررسی گزیده‌ای از توصیف سیاحان از شهر خوی به خصوص در ارتباط با عناصر اصلی این شهر در دوره صفوی پرداخته و نهایتاً اشارات و توصیفات در قالب یک دیاگرام یا علائم اختصاری معماری و شهر سازی آورده خواهد شد.

1. **ابن حوقل (پیش از 372 ه.ق/ 983 م):** شهری آباد و پر نعمت است و باغ‌های فراوان

دارد و باروی آجری بلند دور آن است.<sup>۲۲</sup>

2. **فصیحی خوافی در تاریخ (698 ه.ق/ 1299 م) و (845 ه.ق/ 1441 م):** در

شرح واقعه‌ای به مدفون بودن شمس تبریزی در خوی اشاره کرده است.... آرامگاه شایسته‌ای بر سر خاکش (شمس تبریزی) افراشته‌اند که تا قرن‌ها بعد هم زیارتگاه بوده است.<sup>۲۳</sup>

به روایتی فوت شمس تبریزی در 645 ه.ق/ 1247 م انجام شده است.<sup>۲۴</sup>

3. **کلاویخو (806 ه.ق/ 1404 م):** برگرد شهر خوی دیواری است از خشت پخته با دروازه‌ها

و برج‌های بسیار که برای دفاع از شهر ساخته شده است.<sup>۲۵</sup>

4. **جوزافا باربارو (907 ه.ق/ 1501 م):** خوی را این چنین توصیف کرده است:

« از وان که بگذریم... می رسیم به دشت بزرگ نیکویی که کوه‌های بلند آن را در میان گرفته است. و در میان آن محل وسیعی به نام خوی قرار دارد که در روزگاران قدیم شهری بزرگ بوده است، و این مطلب از دیدن جای پهناوری برمی آید که ویرانه‌های شهر را دربر دارد... این شهر تاچندی پیش ویران بود، اما چون شاه اسماعیل به تخت سلطنت نشست، به تجدید بنای آن کوشید و اکنون قسمت اعظم آن را آباد کرده است. و از جمله بناهایی که ساخته کاخی است بزرگ که به زبان فارسی دولتخانه خوانده می‌شود و معنی آن منزل مطبوع است. برگرد این کاخ دیوارهایی از آجر کشیده‌اند و قصر و حرم بر روی هم تشکیل محلی وسیع داده است. در داخل کاخ تالارها و

اطاق‌های فراوان ساخته اند، همه در زیر یک سقف. و قصر دارای باغی بزرگ و باشکوه است. کاخ دودر و دو حیاط عالی دارد که آن‌ها را بسیار خوب تزئین کرده‌اند. و این مدخل‌ها شبیه دو راهرو سرپوشیده‌ی دیر راهبان است. در جلو دروازه‌ای که رو به مغرب است، سه برج کوچک دیده می‌شود که محیط هر کدام هشت یارد، و بلندی هریک شانزده یارد است. (هریارد 91 سانتی متر) این برج‌ها را از شاخ گوزن‌های نمفرونی ساخته اند، و همه برآند که آن‌ها را در جهان همانند نیست. ایرانیان نیز این چیزها را سخت گرانقدر می‌پندارند. از این رو این برج‌ها را از نظر جلوه و نمایش از شاخ آن جانور ساخته‌اند. زیرا کوه‌های آن سامان، صخره‌ای و پر از نخجیر است. شاه اسماعیل که این همه جانوران را او و امرایش کشته اند، به راستی سخت شیفته‌ی شکار است. و برای آنکه نشان دهد که صیادی ماهر است، فرمان داده است که این سه برج را از شاخ سازند، و از زیستن در این کاخ بیشتر از زندگی کردن در تبریز لذت می‌برد. زیرا این سرزمین برای شکار مناسب است «<sup>۲۶</sup> همچنین در (878 ه.ق / 1473 م) گفته است که، به شهری رسیدیم به نام خوی که آن نیز خراب است و دارای 400 خانه و...<sup>۲۷</sup>

##### 5. نعیم‌ا واقع نویس عثمانی (985 ه.ق / 1577 م) می‌نویسد: قلعه‌ی خوی نابود

گردید، بناها را ویران کردند، درختان را بریدند.<sup>۲۸</sup>

##### 6. اولیاچلی (1057 ه.ق / 1647 م): قلعه‌ی خوی (یعنی دژ نظامی آن)، در دشت

همواری به شکل 4 گوش بنیاد سنگین دارد. محیط دورش بیست هزارگام است. در 4 طرف خندق کم عمق هست. دو دروازه دارد، یکی به سمت جنوب که دروازه‌ی تبریز است و دیگری به سمت غرب به نام دروازه‌ی مرند. در داخل قلعه صد خانه و یک جامع است. شهر بیرون از قلعه، 7000 خانه دارد. هفتاد مسجد که دو تا از آن‌ها مسجد جامع است. دو حمام و 1000 دکان است. محیط شهر 13000 گام است. و اطراف آن را باغ‌ها و کشتزارها آراسته. خوی بعد از آن که سلطان مراد چهارم آن را ویران کرده، تازه تازه در حال آباد شدن است. همچنین اولیاچلی که در دوره‌ی سلطنت شاه عباس دوم در سال 1057 ه.ق به آذربایجان سفر کرده می‌نویسد: قبر شمس در خارج شهر (خوی) است، زیارت کردیم.<sup>۲۹</sup>

گفته شده است که در 1163ه.ق/1750م رومیان بر شهر تسلط یافتند و شهر خوی تماماً تخریب و بایر گردید.<sup>۳۰</sup>

**7. جیمز موریه ( 1228 ه.ق/1813 م):** در سفر دوم خود در 1228 دومانار دیده که به طور محسوسی وضع قائم خود را از دست داده‌اند و نخستین زمین لرزه موجب فروریختن آن‌ها خواهد شد.<sup>۳۱</sup>

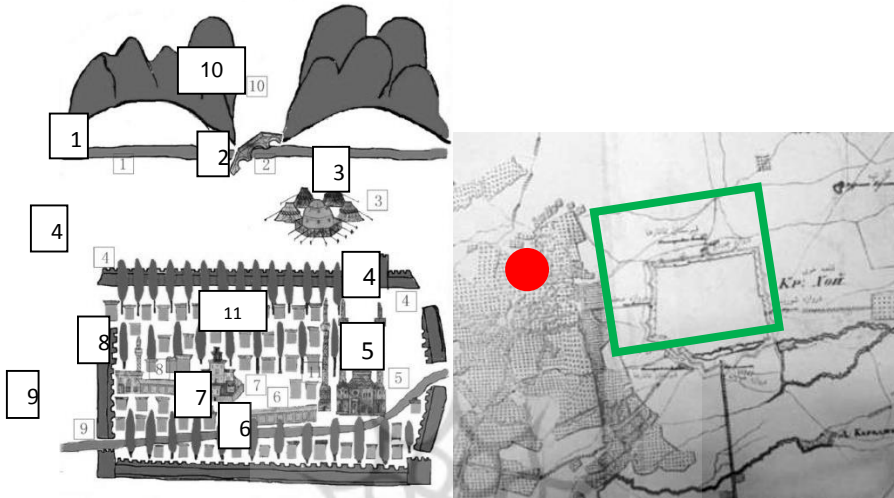
**8. مظفرالدین شاه 1308ه.ق/ 1891 م):** خوی قلعه‌ای دارد محکم، و دیوارش بسیار خوب است، قدری خرابی به هم رسانده، تعمیر لازم دارد. چند محله هم در بیرون قلعه هست. چند مسجد دارد که خیلی قدیم است. یک مسجد در مقابل مقبره حسین خان دزلی در عهد مرحوم نایب السلطنه اسکنه فی روضات الجنه بنا کرده، و در روی سنگی دم مسجد نوشته‌اند، تاریخ 1238 است. دو کلیسا دارد. از قراری که آرامنه می‌گفتند یکی هزار و صد سال، و دیگر چهارصد سال است بنا شده، منشی حضور را فرستادیم که تاریخ آن‌ها را بر دارد، خط ارمنی بوده، و کشیش کلیسا هم نتوانسته بود بخواند. دو مناره دارد که از شاخ شکار درست کرده‌اند، یکی خراب شده، یکی باقی است.<sup>۳۲</sup>

### توضیح و بازخوانی مینیاتور مطراقچی بر اساس دیدگاه سیاحان

در مرحله اول برای بازخوانی مینیاتور باید جهات جغرافیایی حقیقی آن مشخص شود. مطالعاتی که در سال‌ها قبل (1378ه. ش) در توضیح مینیاتور خوی در تاریخ خوی توسط دکتر ریاحی انجام شده را می‌توان اینگونه بیان کرد: «تصاویر کتاب بیان منازل سفر عراقین نمادین است و آنچه برای مولف و نقاش مهم بوده، بیان و نمایش جاهایی است که سلطان عثمانی در دومین لشکرکشی خود از آن‌ها گذشته است و از آنجایی که سلطان سلیمان برای تحجیب سپاهیان ینی چری خود که از بکتاشی‌ها و علاقه‌مندان شمس تبریز بوده‌اند در روز 4 ربیع الاول 942 به زیارت مزار شمس تبریز رفته، گنبد و بارگاه شمس تبریز در نظر نقاش ملازم سلطان اهمیت خاص یافته و تصویر آن را به عنوان نماد خوی نقاشی کرده است. اهمیتی که این تصویر برای مادر در این است که می‌بینیم در تصویری که پانصد سال پیش از این کشیده شده گنبد شمس پشت برج‌های کاخ شاه اسماعیل نمایان است و...». همچنین پل نشان داده شده، پل خاتون بر روی رودخانه‌ی قطور (یکی از رودهای مهم شهر) می‌باشد.<sup>۳۳</sup>

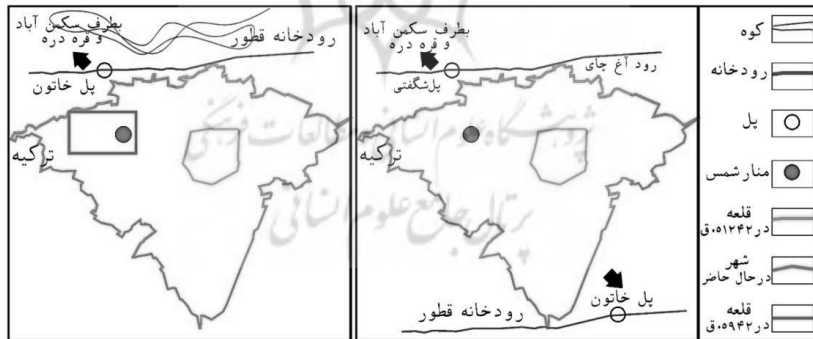


با توجه به این مطلب که منبع مرجعی در موضوع تاریخ خوی می‌باشد، و در حال حاضر بصورت عام پذیرفته شده است، جهت گیری صحیحی از مینیاتور نمی‌توان داشت، به این صورت که:



تصویر (3) نقشه حومه خوی 1242 ه.ق. (با نمایش منار شمس و قلعه) - تصویر (4) شماره

گذاری عناصر مهم مینیاتور<sup>۳۵</sup>



تصویر (5) راست به چپ- جانمایی واقعی عناصر روی نقشه کنونی شهر- عناصر خواننده شده در

مطالعات اخیر از روی مینیاتور<sup>۳۶</sup>

محل نوشته «قره دره» (شماره 10) و همچنین محل نشان داده شده «سکمن آباد» (شماره 3)،

هر دو در شمال غربی شهر کنونی قرار دارند. همچنین جهات رودهای مهم شهر اند و آق چای به

طور کلی از غرب به شرق می‌باشند. با توجه به گفته‌ی آقای ریاحی در کتاب خود،<sup>۳۷</sup> پل نشان داده شده، پل خاتون بر روی رودخانه‌ی قطور (یکی از رودهای مهم شهر) می‌باشد. با توجه به مستندات، پل خاتون در سال‌های 1170-1200 ه.ق/1756-1786م توسط احمد خان دنبلی ساخته شده است. (بعد از ترسیم مینیاتور). (البته به لحاظ موقعیت این رود امکان وجود پل قدیمی تری بر روی این رود وجود دارد.) رودخانه‌ی قطور مانند دو رود دیگر الوند و آق‌چای از غرب به شرق جریان دارد. اما محل کنونی پل خاتون در جنوب و جنوب شرقی شهر می‌باشد. در حالی که پل در شمال کشیده شده است. با قبول این فرض، جهت جغرافیایی صحیحی از مینیاتور نتیجه نمی‌شود.

همچنین با توجه به نقشه‌ی روسی که در تاریخ 1242 ه.ق ترسیم شده است، در صورت صحت مطالعات اخیر، کشیدگی قلعه در منطقه‌ی باغ‌های حومه شهر که در تصویر 1 نشان داده شده، خواهد بود که تا حدودی صحت مطلب را تضعیف می‌کند.

همان‌طور که از گفته‌های سیاحان بر می‌آید، شهر خوی همواره دارای قلعه و حصار دفاعی بوده است. در تصویر مینیاتور، خوی در درون حصار نشان داده شده است که به صورت کاملاً بسته و محفوظ ترسیم نشده است (شماره 4). دو دلیل برای این مورد می‌توان در نظر داشت، دلیل اول احتمال وجود خرابی در بدنه‌ی حصار و دلیل دوم، احتمال وجود منازل مسکونی در خارج از حصار می‌تواند باشد (تحلیل از نگارنده). مثلاً جوزافا باربارو در سال 907 در تعریف خوی گفته است: در روزگاران قدیم شهری بزرگ بوده است، و این مطلب از دیدن جای پهناوری برمی‌آید که ویرانه‌های شهر را در بردارد.<sup>۳۸</sup>

اسکندر بیگ منشی در قرن یازدهم ه.ق در عالم‌آرا گفته است: «رای جهان آرا (شاه عباس) اقتضا کرد که در بلده‌ی خوی، که ... قلعه‌ای بنا شود که نزول حوادث و هنگام فتور، سکنه‌ی آن بلده را پناهی و آرام‌گاهی باشد، و در محل مناسب طرح قلعه، انداخته...» از نوشته‌ی اسکندر بیگ بر می‌آید که بعد از جنگ‌های پی‌درپی، شهری برجای‌نمانده بود که برج و بارویی به دور آن بسازند. این است که محل مناسبی برای ساختن قلعه‌ای جستجو و انتخاب کرده‌اند. این قلعه هم شهری برای سکونت دائمی مردم نبوده، بلکه پناهگاهی بوده که فقط هنگام نزول حوادث مردم در آن جای

با توجه به توضیح کتاب بیان منازل العراقین، «نیروی تحت فرمانسلیمان قانونی که در 28 ذی قعدة ی 940 از استانبول حرکت کرده بود، در 14 ربیع الاول 23/941 سپتامبر 1534، یعنی در حدود سه ماه و نیم بعد، در چمن مقابل روستای سکمن (اوه، آوه (آباد) ) اتراق کرد. روز بعد از دسته دره گذشته، به خوی رسیده، در آنجا خیمه زدند» امروزه نیز بخشی به نام دسته دره و سکمن آباد، وابسته به شهرستان خوی، (در 53 کیلومتری) در نزدیک مرز ایران و ترکیه قرار دارد.<sup>۴۰</sup>

محل نوشته‌ی «قره دره آغزی» ( ترجمه از ترکی به فارسی، دهانه قره دره) ( شماره 10 در مینیاتور) و همچنین محل نشان داده شده «سکمن آباد»، ( شماره 3 در مینیاتور) هر دو در شمال غربی شهر کنونی قرار دارند. همچنین جهات دو مورد از رودهای مهم شهر و حومه، «الند و آق چای» به طور کلی از غرب به شرق می‌باشند. (تصویر 6).



تصویر 6) رودهای شهر خوی<sup>۴۱</sup>

با توجه به گفته‌ی ریاحی در کتاب خود،<sup>۴۲</sup> پل نشان داده شده، پل خاتون بر روی رودخانه‌ی قطور (یکی از رودهای مهم نزدیک شهر) می‌باشد. همان طور که پیش تر ذکر شد، پل کنونی خاتون در سال‌های 1170-1200 ه.ق/ 1756-1786 م توسط احمد خان دنبلی ساخته شده است. (یعنی بعد از ترسیم مینیاتور). رودخانه‌ی قطور مانند دو رود دیگر الند و آق چای از غرب به شرق جریان دارد. اما محل کنونی پل خاتون در جنوب و جنوب شرقی شهر می‌باشد. در حالی که پل در شمال شهر کشیده شده است. با قبول این فرض، جهت جغرافیایی صحیحی از مینیاتور نتیجه نمی‌شود. در موقعیت ترسیم شده‌ی پل (بین قره دره و سکمن آباد) (شماره 2 در مینیاتور) بقایای پلی بنام «پل شگفتی» در منطقه‌ای به همین نام یافت شده است که با بازخوانی مینیاتور همخوانی دارد. در صورتیکه بدون در نظر گرفتن محل پل و پذیرفتن محل شمالی روستا و دره، بدلیل مصافت

موجود و امکان خطا می‌توان جهات جغرافیای تصویر را نتیجه گرفت. با توجه به این فرضیات، شمال مینیاتور همان شمال واقعی خواهد بود. و پل ترسیمی همان پل شگفتی و رود شمال شهر، رود آق چای خواهد بود.

با توجه به نقشه رودخانه‌های خوی، و توضیحاتی که پیش تر در مورد رود آق چای داده شد، در حال حاضر، رود دیگری که در داخل شهر جریان داشته باشد، وجود ندارد. با شباهتی که دو رود ترسیم شده دارند، رود عبوری از داخل شهر به اندازه‌ی رودخانه آق چای حائز اهمیت است. در حالی که با مراجعات انجام شده به اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهر، رودخانه‌ی دیگری از داخل شهر عبور نکرده است. لذا می‌توان نهر قره سو را برای این جریان آبی (شماره 9) ترسیم شده با توجه به مطلب زیر، در نظر گرفت:





رودخانه یا نهر قره سو از مجموع جویبارهای چمنزارهای طبیعی، آب‌های راکد، نزارها و باتلاق‌های طبیعی قسمت غرب خوی به وجود می‌آید که پس از مشروب نمودن قراء، گنبد- امیر بیک ( نزدیک روستای رهاال و رودخانه قطور) و محله قاضی و محله شهانق شهر خوی در ده شورآباد به نهر قدوق بوغان می‌ریخت.<sup>۴۳</sup> ( محل‌های ذکر شده از محلات مجاور منار شمس تبریزی کنونی می‌باشند).

- در تحلیل بنای مرکزی مینیاتور (شماره 7) می‌توان گفته‌ی جوزافا باربارا در دوره تیموری در سال 907 ه.ق که در توصیف کاخ شاه اسماعیل بیان کرده است، در نظر داشت. «این شهر تا چندی پیش ویران بود، اما چون شاه اسماعیل به تخت سلطنت نشست، به تجدید بنای آن کوشید و اکنون قسمت اعظم آن را آباد کرده است. و از جمله‌ی بناهایی که ساخته کاخی است بزرگ که به زبان فارسی دولتخانه خوانده می‌شود و معنی آن منزل مطبوع است. **برگرد این کاخ دیوارهایی از آجر کشیده‌اند و قصر و حرم بر روی هم تشکیل محلی وسیع داده است.** در داخل کاخ تالارها و اطاق‌های فراوان ساخته‌اند، همه در زیر یک سقف. و قصر دارای باغی بزرگ و باشکوه است. **کاخ دو در و دو حیاط عالی دارد** که آن‌ها را بسیار خوب تزئین کرده‌اند. و این مدخل‌ها شبیه دو راهرو سرپوشیده‌ی دیر راهبان است.»<sup>۴۴</sup> با توجه به این توصیف‌ها و بررسی‌هایی که در مورد سایر

کاخ‌ها و دولتخانه‌های دوره‌ی صفوی در اصفهان و قزوین صورت گرفت، می‌توان بنای مرکزی را در میناتور، همان دولت‌خانه‌ی شاه اسماعیل نتیجه‌گیری کرد.



## جدول 3) بررسی کاخ‌های صفوی

تصویر در مینیاتور	نمونه‌های مشابه		
		تصویر (9) کاخ صفی آباد بهشهر 47	تصویر (8) عالی قاپو اصفهان 46
			
	توسط شاه صفی در دوره صفوی	توسط شاه عباس در دهه 970 ه.ق	توسط شاه تهماسب در 951 ه.ق
منبع: در باورقی			

- با توجه به ادامه گفته جوزافا باربارو: «در جلو دروازه‌ای که رو به مغرب است، سه برج کوچک دیده می‌شود که محیط هر کدام هشت یارد، و بلندی هر یک شانزده یارد است. (هریارد 91 سانتی متر). این برج‌ها را از شاخ گوزن‌های نمفزونی ساخته‌اند، و همه برآند که آن‌ها را در جهان همانند نیست. ایرانیان نیز این چیزها را سخت گرانقدر می‌پندارند. از این رو این برج‌ها را از نظر جلوه و نمایش از شاخ آن جانور ساخته‌اند. زیرا کوه‌های آن سامان، صخره‌ای و پر از نخجیر است. شاه اسماعیل که این همه جانوران را او و امرایش کشته‌اند، به راستی سخت شیفته‌ی شکار است. و برای آنکه نشان دهد که صیادی ماهر است، فرمان داده است که این سه برج را از شاخ سازند، و از زیستن در این کاخ بیشتر از زندگی کردن در تبریز لذت می‌برد. زیرا این سرزمین برای شکار مناسب است» ارتفاع منارها حدوداً 14/5 متر محاسبه می‌شود. در حال حاضر در بخشی از شمال غربی شهر، مناری به اسم منار شمس تبریزی موجود می‌باشد که بدنه‌ی آن با شاخ‌های حیوانات تزیین شده و دارای ارتفاع 14/5 متر می‌باشد. و بنا به دلایل ذکر شده از سیاحان تعداد سه منار در طول تاریخ، با ذکر تخریب آن‌ها به مرور زمان (جیمز موریه ( 1228 ه.ق / 1813 م)، مظفرالدین شاه 1308 ه.ق / 1891 م )، ثابت شده است. (در بخش سیاحان آورده شده است).

عبدالرفیع حقیقت می‌نویسد: «در حال زندگی شمس تبریزی بعد از ترک قونیه بسیار تاریک است، برخی ناپدید شدن وی را در سال 643 دانسته و برخی درگذشت او را در سال 674 هـ ثبت کرده اند. نوشته‌اند که در خوی مدفون شده است.»<sup>۴۸</sup>

سه دیدگاه مختلف در مورد منار شمس تبریزی وجود دارد، پاره‌ای از مورخین، ساختمان بنا را به امیر جعفر دنبلی ملقب به شمس الملک متوفی سال 555 ه.ق که یکی از مشاهیر این سلسله است نسبت می‌دهند. برخی دیگر آن را از الحاقات آرامگاه شمس تبریزی می‌شمرند. شماری از سیاحان و مورخین نیز آن را بازمانده‌ای از کاخ تابستانی شاه اسماعیل صفوی (قرن دهم هجری) می‌دانند که این مکان اطراف تابستانی شاه اسماعیل صفوی در جنگ با عثمانیان بوده است.

«شاه اسماعیل به سه شهر تبریز و اصفهان و خوی توجه بیشتری دارد. شهر خوی مرکز تجمع قوای شاه اسماعیل است. این سلطان هر وقت بخواهد لشکرکشی کند، سپاه خویش را در خوی متمرکز می‌کند و بعد از تنظیم سپاه از آنجا به مقصد حرکت می‌نماید. شاه اسماعیل همچنین دوست دارد که بیشتر در خوی اقامت کند زیرا اطراف خوی کوهستان است و قتل و جبال آن شکارگاه‌های مناسبی است. شاه ایران به شکار میل فراوان دارد و در شکار کردن به قدری ماهر و زبردست است که هیچ یک از سردارانش به پای او نمی‌رسند.»<sup>۴۹</sup>

آقای ریاحی در کتاب خود، «در جلو دروازه‌ای که رو به مغرب است...» را اشتباه فرض کرده و جهت درست را بجای غرب، شرق می‌داند. و با توجه به میناتور بنای با عظمت موجود در راست تصویر را (شماره 5) آرامگاه شمس تبریزی می‌داند. همچنین سه منار آن بنا را، سه منار کله شاخ ساخته شده توسط شاه اسماعیل می‌داند:

«مسلم است که آرامگاه شمس دو سه قرن پیش از شاه اسماعیل بنا شده بوده و گنبدی که در تصویر دیده می‌شود از آن آرامگاه است و ارتباطی با کاخ شاه اسماعیل ندارد. آن پادشاه به سبب علاقه به تصوف کاخ خود را در کنار مزار شمس پی افکنده بوده و از سفرنامه‌ی بازرگان ونیزی نقل کرده ایم که در مقابل دروازه‌ی غربی کاخ، سه برج کوچک ساخته شده بوده که در این تصویر می‌بینیم و این‌ها ارتباطی با مزار شمس ندارد. و ظاهراً این برج‌ها که بالای آن‌ها به صورت منار درآمده و یکی از آن‌ها هنوز برجای است برای دیدبانی و مراقبت از کاخ ساخته شده بوده است.

تصاویر کتاب بیان منازل سفر عراقین نمادین است و آنچه برای مولف و نقاش مهم بوده، بیان و نمایش جاهایی است که سلطان عثمانی در دومین لشکرکشی خود از آن‌ها گذشته است و از آنجایی که سلطان سلیمان برای تحبیب سپاهیان ینی چری<sup>۵۰</sup> خود که از بکتاشی<sup>۵۱</sup>ها و علاقه‌مندان شمس تبریز بوده‌اند در روز 4 ربیع الاول 942 به زیارت مزار شمس تبریز رفته، گنبد و بارگاه شمس تبریز در نظر نقاش ملازم سلطان اهمیت خاص یافته و تصویر آن را به عنوان نماد خوی نقاشی کرده است. اهمیتی که این تصویر برای ما دارد در این است که می‌بینیم در تصویری که پانصد سال پیش از این کشیده شده گنبد شمس پشت برج‌های کاخ شاه اسماعیل نمایان است و بدین ترتیب اگر هم تردیدی در مورد مزار شمس ابراز شده باشد رفع می‌گردد.<sup>۵۲</sup>

در حالی که بنای نشان داده شده، (آرامگاه شمس تبریزی از نظر ریاحی) (شماره 5) بنایی دو طبقه، با ارتفاع بسیار زیاد است که ارتفاع 14/5 متری منار شمس را نمی‌توان جزئی از این بنای با عظمت دانست. همچنین مجزا بودن یکی از منارها از نظر مکان و تزئینات، از دو تایی دیگر می‌تواند دلیلی بر اثبات این نکته باشد که این سه منار، مناره‌ی شاخی ساخته شده شاه اسماعیل نمی‌باشند.

هنگام خاکسپاری شمس تبریز هنوز مناری در آنجا وجود نداشته، بلکه این منار بازمانده از کاخی است که آن را شاه اسماعیل که در 907 ه.ق جلوس کرده ساخته بوده، و یک بازرگان ونیزی در 913 آن را دیده و در سفرنامه‌ی خود وصف کرده است.<sup>۵۳</sup>

امروزه یکی از مناره‌ها باقی است و در تاریخ دنباله‌ی خوی آمده که اطراف منار موقوفه بوده و در 1235 قمری به فروش رسیده است.

این را می‌دانیم که شاه اسماعیل پیش از هر کس دیگر مورد غضب و نفرت عثمانی‌ها بود. عثمانی‌ها طی هجوم‌های متعدد خود سه بار شهر خوی را بکلی تخریب کردند: در 985 به دستور مراد سوم، در 1045 به دستور مراد چهارم، در 1136 در حمله عبدالله پاشا کوپرولو. طبیعی است که در این حوادث کاخ شاه اسماعیل را با خاک یکسان کرده‌اند و اثری از آن بر جای نگذاشته‌اند. جز اینکه به احترام شمس تبریز دو منار دروازه‌های کاخ در کنار آرامگاه شمس برجای مانده و نام او را بر خود گرفته است.








بطوری که در تاریخ‌های محلی در یک قرن و نیم پیش نوشته‌اند محل کاخ و اطراف منار شمس در افواه، باغ شاه نامیده می‌شد و گنبدی نیز در آنجا نمایان بود که قطعا آن گنبد بر سر خاک شمس تبریز بوده و با کاخ سلطنتی تناسبی نداشته است.<sup>۵۴</sup>

البته در کتاب تاریخ دنباله که توسط یکی از بازماندگان عبدالرزاق بیگ دنبلی نوشته شده است، منار شمس تبریزی را مزار امیر شمس الملک مجعول متوفی 555 ه.ق دانسته است.<sup>۵۵</sup>

همچنین اولیا چلبی که در دوره‌ی سلطنت شاه عباس دوم در سال 1057 ه.ق به آذربایجان سفر کرده می‌نویسد: قبر شمس در خارج شهر (خوی) است، زیارت کردیم.<sup>۵۶</sup> لذا می‌توانیم نتیجه گیری کنیم که آرامگاه شمس در داخل قلعه ترسیمی مطراقچی نبوده است. و در محل کنونی منارشمس مطابقت می‌کند و گفته جوزافا باربارو مینی بر اینکه جلوی دروازه غربی سه منار شاخی وجود داشته است صحت می‌یابد. (تحلیل از نگارنده)

با توجه به بررسی‌هایی که در مورد منارهای کله شاخ انجام شده، این نوع منارها را از نوع منارهای سمبل پیروزی در نظر گرفته‌اند که در کتاب‌های سیاحانی مثل: آدام اولتاریوس (1635م)، شاردن، توماس هربرت (1627-1629م)، پیتر دولاو و ح. هانوی (1156 ه.ق)، تاورنیه و سانسون در دوره‌ی صفویه ذکر شده است. که محل این منارها در بخش سفر به اصفهان قرار دارند و در جدولی بصورت زیر آورده شده است.

جدول 4) بررسی منار کله شاخی

تصویر در مینیاتور	نمونه‌های مشابه			
	تصویر 13- منار شاخی خوی <sup>۵۷</sup>	تصویر 12- شاردن <sup>۶۰</sup>	تصویر 11- سانسون <sup>۵۹</sup>	تصویر 10- آدام اولتاریوس <sup>۵۸</sup>
				

منبع: در پاورقی

با مشاهده نمونه‌های منار شاخی در دوران صفوی، و در نظر داشتن مقطعی طولی از این بنا، می‌توان بنای ترسیم شده در شماره 4 مینیاتور را شبیه همان منارهای شاخی اصفهان دانست. در حالی که شباهت چندانی (از نظر ظاهری و ابعاد و اندازه) با منار شاخدار خوی ندارد. البته لازم بذکر است که در هیچ یک از کتب تاریخی مرتبط با دوره‌ی صفوی و شاه اسماعیل اشاره‌ای از ساخت منار شاخی توسط شاه اسماعیل در خوی یافت نشده است. در حالی که فعالیت‌های کم اهمیت تر وی درج شده‌اند. تنها مدرک موجود گفته‌ی جوزافا باربارا در سال 907 ه.ق است که در توصیف کاخ شاه اسماعیل بیان کرده است. (پیشتر آورده شد)

- در حال حاضر مسجدی با نام مسجد مطلب خان وجود دارد که بنا بر مطالعات صورت گرفته از سوی کارشناسان، تاریخ ساخت این مسجد، مصادف با قرن 7-8 ه.ق یعنی دوره‌ی تسلط ایلخانان بر ایران باز می‌گردد.<sup>۶۱</sup> اما بازسازی آن در سال 1255 ه.ق انجام شده است.

اعتماد السلطنه در مورد آن چنین گفته: « دو مسجد نیز در خوی است که خرابه است... دیگری مسجدی است که مرحوم حاجی مطلب خان ساخته بنائی مرتفع با مخارجی زیاد کرده آن هم چون ناقص مانده خراب گردیده است. »<sup>۶۲</sup>

با توجه به مطالعات معماری انجام شده بر روی پلان و شیوه ساخت بنا (که هم اکنون در بخش مرکزی شهر واقع شده) می‌توان سبک ساخت مسجد را از نوع بناهای دوره ایلخانی دانست.

جدول 5) بررسی مسجد مطلب خان، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

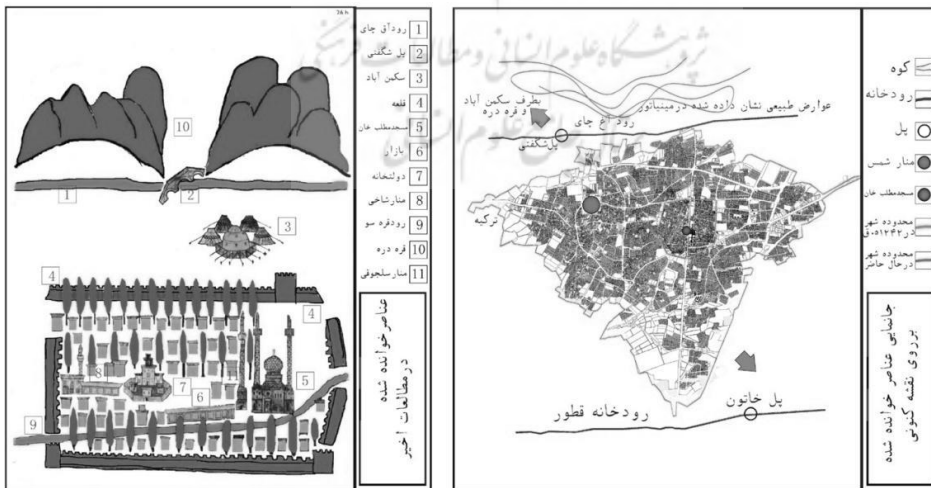
تصویر در مینیاتور	مشخصات مسجد مطلب خان		
		تصویر 14: گنبدخانه مسجد <sup>۶۳</sup>	تصویر 15: تصویر قدیمی از بیرون مسجد <sup>۶۴</sup>
			
منبع: در پاورقی			

لذا با شباهتی که در این مسجد با تصویر شماره 5 در مینیاتور دیده می‌شود، این بنا را همان مسجد ترسیم شده در مینیاتور در نظر می‌گیریم. در حالی که از منارها و گنبد آن اثری بجا نمانده است. همچنین از سه منار اطراف این مسجد، در مینیاتور مطراقچی، دوتا از آنها یکسان و دیگری متفاوت ترسیم شده است. دلیل این کار و یا کاربری منار سوم هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اما با بررسی تزئینات ترسیمی روی منار منفرد، می‌توان آن را متعلق به دوره سلجوقی دانست. (تحلیل از نگارنده)

– بنای ترسیم شده در بخش مرکزی مینیاتور (شماره 6)، با در نظر گرفتن سبک بنا و کشیدگی شرقی- غربی آن، بازار شهر می‌باشد. کاروان‌های ایران از راه تبریز، شبستر، طسوج و دیزج دیزج به خوی می‌رسیدند، و از دروازه‌ی سلماس (جنوب شهر) وارد شهر می‌شدند، و بعد از گذشتن از بازار، از دروازه‌ی محله (غرب شهر) از شهر خارج می‌شدند، و از راه سکمن آباد و اواجق، راه خود را به سوی ارزروم و طرابوزان ادامه می‌دادند. 66

### نتیجه گیری

پس از بررسی مدارک، اسناد و متون تاریخی در مورد شهر خوی در دوره صفوی، با استناد به مینیاتور مطراقچی، می‌توان بطور کلی جدولی بصورت زیر تهیه کرده و در نهایت بازخوانی مینیاتور را بصورت گرافیکی ترسیم کرد:



تصویر 17: گرافیک دو بعدی از بازخوانی مینیاتور مطراچی بر روی نقشه‌ی کنونی شهر خوی 67

همچنین بطور جزئی تر، موارد زیر قابل نتیجه گیری است:

- با توجه به محل‌های ترسیم شده در مینیاتور، سپاه عثمانی از طریق منطقه‌ی سکمن آباد و قره دره وارد شهر خوی شده‌اند.

- با توجه به انبوه درختان ترسیمی، شهر خوی را در این دوره می‌توان شهری سرسبز نام برد.

- حصار شهر در این دوره، از نوع قلعه‌های دفاعی برای ساکنین بوده است. و احتمالاً بناها و عناصر معماری دیگری خارج از حصار وجود داشته است که مطراچی فقط عناصر داخلی و مهم آن را ترسیم کرده است.

- در این دوره عرض نهر قره سو هم عرض با رودخانه آق چای بوده که از داخل شهر عبور می‌کرد.

- کشیدگی شهر در این دوره تقریباً شرقی- غربی بوده است. و محدوده شهر از شرق مسجد مطلب آغاز شده و نرسیده به منار شمس کنونی تمام می‌شده است.

- بجز توصیف جوزافا باربارو در کتب تاریخی دیگری، ساخت منار شاخی در خوی توسط شاه اسماعیل مشاهده نشده است.

- مسجد مطلب خان دارای گنبد و دو منار بلند بوده است که در حال حاضر این مسجد بدون گنبد و منار است و در اکثر منابع محلی گفته می‌شود بدلیل وسعت گنبد خانه، مسجدی فاقد گنبد می‌باشد.

- منار شاخی شهر خوی (معروف به منار شمس) در مینیاتور مطراچی ترسیم نشده است و در روبروی دروازه‌ی رو به غرب قلعه (در محل کنونی قرار داشته است).

- مطراچی برای حصار شهری در این دوره دروازه‌های مشخصی را ترسیم نکرده است.

- نمای بیرونی مسجد مطلب خان در این دوره، بجز گنبد و منار فاقد تزئینات کاشیکاری و رنگی است.

یادداشت‌ها:

- 1 - دروازه‌ی سلماس، دروازه‌ای در جنوب شهر که بنای سنگی استواری داشت و دروازه‌ی خیابان نامیده می‌شد و دروازه‌ی محله، دروازه‌ی در غرب شهر که دروازه‌ی استانبول نیز نامیده می‌شد.
- 2 - شنایی، خسرو، دایره‌المعارف شهر من خوی، نشر علم، 1390، ص 74.
- 3 - حبیبی، محسن، از شار تا شهرستان، دانشگاه تهران، 1378، ص 2.
- 4 - شنایی، همان، ص 265.
- 5 - تهیه و تنظیم: نگارندگان
- 6 - مطراق برگرفته از مطرق عربی، چماقی عمود مانند، پوشیده با چرم بوده است. مطراقبازی از بازی‌های ورزشی و ورزش‌های رزمی متداول در عثمانی بوده است.
- 7 - حناچی، پیروز، «بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویر شاردن و مطراقچی...»، شماره 25، نشریه هنرهای زیبا، 1385، ص 41.
- 8 - دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، 1325، ص ماده نصح.
- 9 - مطراقچی، نصح، بیان منازل سفر عراقین، ترجمه و تعلیق رحیم رییس نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹، ص ۷۷.
- 10 - تهیه و تنظیم: نگارندگان
- 11- Hossein g. Yurdaydin
- 12- Albert Gabriel
- 13- Walter Denni
- 14- Franz Taeschener
- 15- Norman G. Johnston
- 16- Yurdaydin. G, Huseyni, Beyan-I Menazil-I Seferi Irakeyn-I Sultan Suleymanm, Ankara University, Faculty of Ilahiyat, 1976, pp 164.
- 17- www.stud.tue.nl
- 18- Yurdaydin, Ibid, pp 161.
- 19- Ibid.
- 20- Ibid, pp 164.
- 21 - مطراقچی، همان، ص ۸۲
- 22 - ریاحی، محمد امین، تاریخ خوی، تهران: طرح نو، 1378، ص 78.
- 23 - فصیحی خوافی، فصیح الدین احمد بن جلال الدین محمد، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، مشهد، 1340، ج 2، صص 343-38.

- 24 - حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان، نشر شرکت مولفان و مترجمان ایران، 1357، بخش دوم، ص 602.
- 25 - کلاویخو، گ، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1337، ص 156.
- 26 - باربارو، جوزافا، سفرنامه‌های ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی، 1349، ص 379-380.
- 27 - همان، ص 61.
- 28 - ریاحی، همان، 1378، ص 97.
- 29 - همان، ص 99.
- 30 - شنایی، همان، ص 52.
- 31 - ریاحی، همان، 1378، ص 280.
- 32 - همان، صص 391-392.
- 33 - همان، ص 536.
- 34 - تهرانی، فرهاد و همکاران، اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره‌ی قاجار، دانشگاه بهشتی، 1378، ص 77.
- 35 - تهیه و تنظیم: نگارندگان
- 36 - تهیه و تنظیم: نگارندگان
- 37 - ریاحی، همان، 1378، ص 536.
- 38 - باربارو، همان، صص 379-380.
- 39 - ریاحی، همان، 1378، صص 95-96.
- 40 - مطراقچی، همان، ص 40.
- 41 - آرشیو اداره منابع طبیعی و آبخیزداری 91/09/5 ساعت 11/45
- 42 - ریاحی، همان، 1378، ص 536.
- 43 - دقیقی، م، آب و آبیاری در آذربایجان غربی به روایت تاریخ، نشر قصیده سرا، شرکت سهامی آب منطقه ای آذربایجان غربی، 1384، ص 21.
- 44 - باربارو، همان، صص 379-380.
- 45 - [www.wikipedia.org/wiki/Qazvi](http://www.wikipedia.org/wiki/Qazvi) -23/15 ساعت 92 /3/2
- 46 - [www.wikipedia.org/wiki/Ali\\_Qapu](http://www.wikipedia.org/wiki/Ali_Qapu) -23/10 ساعت 92/3/2
- 47 - <http://www.iaubs.ac.ir/portal/jazebe.html> 23/10 ساعت 92/3/2
- 48 - حقیقت، همان، ص 602.

49 - آقاسی، مهدی، تاریخ خوی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، 1350، ص 102.

50 - واحدهای ویژه (ورزیده) از ارتش امپراطوری عثمانی بودند. این ارتش در زمان مراد یکم که عثمانی‌ها بخشی از اروپا را در اختیار داشتند تحت نظام دوشیرمه تشکیل شد، آنها فرزندان پسر مسیحیان را از خانواده‌هایشان جدا می‌کردند و به خانواده‌های مسلمانان می‌سپردند، بنابراین این افراد مسلمان و ترک تربیت می‌شدند. این افراد بعداً جزو لشکر عثمانی شده و «ینی چری» به معنی «سرباز جدید» نامیده می‌شدند. این روش در سال ۱۸۲۶ توسط سلطان محمود دوم لغو گردید. (ینی چری/ [http://fa.wikipedia.org/wiki/ینی\\_چری](http://fa.wikipedia.org/wiki/ینی_چری)) - 92/3/4 ساعت 1۲/32

51 - **بکتاشیه**: طریقتی که خود را منسوب به حاجی بکتاش ولی زاهد خراسانی می‌دانند. ولی این دقیقاً به معنی ایجاد این مذهب به دست وی نیست. بسیاری پیدایش این مذهب را به دست فردی به نام بالم سلطان می‌دانند. این طریقه از آناتولی شروع شد و بر اثر برخورداری از حمایت رسمی دولت عثمانی و در پی کشورگشایی‌های آن، به شبه جزیره بالکانو از آنجا به آلبانی راه یافت و بعدها خانقاه‌های بکتاشیه در آنجا ساخته شد. راه‌یابی این فرقه به شبه جزیره بالکان، در اسلام آوردن ساکنان آنجا سهم عمده‌ای داشت. امروزه بکتاشیه علاوه بر آلبانی و به طور محدود در ترکیه، در میان مردم سوریه، مصر، ترک‌های مقیم اروپا و نیز مناطق آلبانیایی‌نشین و مسلمان مقدونیه و کوزوو رواج دارد. از اعتقادشان حُب اهل بیت پیامبر اسلام، بخصوص علی (ع) (بکتاشی‌ها [http://fa.wikipedia.org/wiki/بکتاشی\\_ها](http://fa.wikipedia.org/wiki/بکتاشی_ها)) - 92/3/4 ساعت 12/30.

52 - حقیقت، همان، ص 602.

53 - ریاحی، محمدامین، «مزار شمس تبریزی در خوی است»، نشریه حافظ، شماره 61، 1388، ص 28.

54 - ریاحی، محمد امین، «تربت شمس تبریز کجاست؟»، نشریه فرهنگ و هنر «کلک»، شماره 73، 74 و

75، بهار 1375، ص 33.

55 - ریاحی، همان، 1388، ص 28.

56 - ریاحی، همان، 1375، ص 36.

57 - مومنی، ساماندهی حریم مسجد مطلب‌خان شهرستان خوی، سازمان میراث فرهنگی شهرستان خوی،

1384، ص 12.

58 - 92/3/4 ساعت 14/30

<http://depts.washington.edu/silkroad/texts/olearius/travels.html>

59 - 92/3/4 ساعت 14

<http://shinku.nichibun.ac.jp/kichosho/new/books/24/suema000000006ln.html>

- 60 - شاردن، جان، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، جلد چهارم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۴، ص ۱۵۹۰.
- 61 - صدراپی خویی، علی، سیمای خوی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۴.
- 62 - اعتماد السلطنه، محمدحسن، مرآت البلدان، با تصحیح عبدالحسین نوایی، انتشارات دانشگاه تهران، 1364، ج 4، ص 2008.
- 63 - عکاسی از نگارندگان در تاریخ 92/1/15 ساعت 11/10.
- 64 - [http://www.khoyonline.com/index.php?view=category&catid=24&option=com\\_joomgallery&Itemid=100](http://www.khoyonline.com/index.php?view=category&catid=24&option=com_joomgallery&Itemid=100)
- 65 - حیدری، رضا، آرشیو گزارشات حفاری اطراف منار شمس تبریزی، سازمان میراث فرهنگی شهرستان خوی، 1386، ص 43.
- 66 - ریاحی، همان، 1378، صص 371-372.
- 67 - تهیه و تنظیم: نگارندگان







پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی